

ثروت ناشی از نفت سعودی جهت افسران، مقامات و پرسنل نظامی پاکستان، مصر، یمن و اردن پرداخت گردیده است تا جاه‌طلبی های هژمونیک خود را تحمیل نماید. عربستان سعودی دارای روابط نظامی و اقتصادی بسیار طولانی مدت با آمریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر کشورهای ناتوی است. پایگاه‌ها و سلاح های آمریکایی، همچنین فروش سلاح های بریتانیایی و فرانسوی، در خدمت برای افسران گارد متکی بر استبداد است. ثروت ناشی از نفت سعودی هزاران مدرسه مذهبی و مراکز فرهنگی را در خارج از کشور تأمین مالی کرده است تا متعصبترین نوع اسلام و هابی را تدریس کنند. آن‌ها مزدوران و فعالان سیاسی را جهت پیش‌برد پروژه های قدرت جهانی پادشاهی سعودی استخدام می نمایند، و بورس تحصیلی را به جوانان مسلمان باهوش اعطاء می‌کنند که مایل به گسترش تبلیغ و هابی باشند. عربستان سعودی، علی‌رغم اختلافات مذهبی ظاهری، بر مبنای نژادپرستی قبیله ای شدید و دشمنی مشترک خود با ایران مستقل و کشورهای عرب ملی گرا و سکولار، مانند لبنان، سوریه و عراق، و جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی در خاورمیانه، مدتهاست که روابط بالفعلی با اسرائیل برقرار کرده است... امضای قرارداد دادهای سعودی با اسرائیل در عملیات مخفیانه، یک مورد شست و شوی مغزی دوطرفه بر مبنای دشمنی مشترک خودشان با ایران، سوریه، حزب الله، حماس، و یمن است. این امر منجر به یک پیمان عجیب و غریب بین و هابی های سعودی، صهیونیست‌های وال استریت و نظامیان متعصب اسرائیلی شده است. ... عربستان سعودی و اسرائیل نقش های مهمی در تقویت «کمان ارتجاع و ترور» در خاورمیانه بازی می‌کنند. هر دو تحریک به جنگ می‌کنند، تروریسم را تأمین مالی نموده و تفرقه نژادی و قومی را گسترش می‌دهند که منجر به میلیون‌ها پناهندگان می‌شود. «محمد بن سلمان شاهزاده تاج و تخت دار» عربستان سعودی با نتانیاهو در اسرائیل در جعل ظالمانه ترین تهمت های جنگ‌طلبانه علیه ایران، و برای آماده ساختن جهان جهت حریق بزرگ جهانی رقابت می‌کند. محمد بن سلمان بطور فعال با ایجاد تقسیمات فرقه ای در لبنان به اسرائیل خدمت می‌کند تا به اسرائیل بهانه ای جهت حمله به حزب الله و میلیون‌ها شهروند لبنانی ارائه دهد... محمد بن سلمان بر روی یک بشکه باروت نشسته است و تهدید می‌کند که هم‌آهنگی سیاسی خاورمیانه و بازارهای نفت و مالی جهانی را نابود سازد. اولین موشکی را که محمد بن سلمان جرأت کند بسوی تهران هدایت کند، نشان‌دهنده سقوط آل سعود است. تمام بازارهای خاورمیانه و جهان به بحران عمیق فرو می‌روند. قیمت نفت افزایش می‌یابد، بازارهای سهام سقوط می‌کنند و اسرائیل به جنگ علیه حزب الله می‌رود. دونالد ترامپ پرسنل آمریکایی را جهت مقابله با ارتش بخوبی مسلح و بسیار میهن‌پرست ایرانیان به خاک آنها می‌فرستد. عراق و سوریه با عروسک‌های منطقه ای آمریکا، گردها مقابله می‌کنند. .. شاهزادگان سعودی به اروپا فرار می‌کنند، صدها هزار خدمت‌گزار را در موقعیت آسیب پذیری بحال خود رها می‌کنند. شاید آن‌ها مجبور شوند که قهوه خودشان را آماده کنند! ترامپ یک «تویت جهت عمل به همه آمریکایی ها» صادر می‌کند - تفنگ‌داران دریایی به سر چاه های نفت! آمریکا را بر پشت خسته سربازان دوباره با عظمت می کند! آپیک (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل) یک رأی متفق القول در کنگره آمریکا تأمین می‌کند و اعلام می‌کند که میدان‌های نفتی عربستان سعودی بخشی بالفعل از اسرائیل بزرگ است.

## روابط منطقه ای و جهانی عربستان سعودی

نوشته: جیمز پتراس

برگردان: آمدور نویدی

مقدمه:

عربستان سعودی شبکه قدرت‌مندی از روابط منطقه ای و محلی سیاسی، نظامی و اقتصادی ساخته است که آمیخته ای مشترک از وابستگی مذهبی و افراطی است. در نتیجه، علی‌رغم شهرتش در خاورمیانه و فراتر از آن به عنوان یک رژیم سلطنتی مذهبی (روحانی) مستبد عقب مانده با وابستگی شدید به فروش نفت، به یک نیروی سیاسی مرگبار تبدیل گشته است. جهت درک پویایی و تجسم قدرت سعودی، مهم است که نحوه استفاده اش را از سلاح‌های نظامی، مذهبی و اقتصادی شناسایی و تجزیه و تحلیل کنیم.

عربستان سعودی: سال‌خوردگی و حمایت مزدوران

عربستان سعودی ارتش‌های مزدور افراطی خشونت‌طلب را در سوریه، عراق، سومالی، یمن، لیبی، لبنان، افغانستان، پاکستان، فیلیپین، مالزی و چندین کشور دیگر آسیایی و آفریقایی تدارک دیده و حمایت مالی نموده است.

شاخه متعصب وهابی سعودی از اسلام سنی و مزدوران تجارتی او جهت سرنگونی و نابود ساختن رژیم‌ها و جوامع عربی عمل می‌کنند که دارای رهبری سکولار و ملی، مدرن مستقل هستند و یا چندقومی یا چندمذهبی را تحمل کرده و بکار می‌گیرند. آن‌ها همچنین جمهوری‌هایی با اکثریت دولت‌های شیعه مخالف سلطه وهابی و سعودی در خاورمیانه را هدف قرار می‌دهند.

هدف سعودی تکه تکه کردن جوامع چندقومی و مدرن بوده است تا رژیم‌های «دنباله رو» وحشی را تحمیل نماید، که پادشاهان عرب سال‌خورده را از سرنگونی توسط نیروهای محبوب داخلی و خارجی، ملی گرا و دموکراتیک حفاظت کنند.

### خرید متحدان جهانی و منطقه ای توسط عربستان سعودی

پادشاهی سعودی از رژیم‌های ضددمکراتیک حمایت مالی و پشتیبانی می‌کند، که متحدان نظامی و منابع مزدوران را تأمین نمایند: ثروت ناشی از نفت سعودی جهت افسران، مقامات و پرسنل نظامی پاکستان، مصر، یمن و اردن پرداخت گردیده است تا جاه‌طلبی های هژمونیک خود را تحمیل نماید.

عربستان سعودی دارای روابط نظامی و اقتصادی بسیار طولانی مدت با آمریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر کشورهای ناتوی است. پایگاه‌ها و سلاح های آمریکایی، همچنین فروش سلاح‌های بریتانیایی و فرانسوی، در خدمت برای افسران گارد متکی بر استبداد است.

ثروت ناشی از نفت سعودی هزاران مدرسه مذهبی و مراکز فرهنگی را در خارج از کشور تأمین مالی کرده است تا متعصب‌ترین نوع اسلام وهابی را تدریس کنند. آن‌ها مزدوران و فعالان سیاسی را جهت پیش‌برد پروژه های قدرت جهانی پادشاهی سعودی استخدام می نمایند، و بورس تحصیلی را به جوانان مسلمان باهوش اعطاء می‌کنند که مایل به گسترش تبلیغ وهابی باشند.

عربستان سعودی، علی‌رغم اختلافات مذهبی ظاهری، بر مبنای نژادپرستی قبیله ای شدید و دشمنی مشترک خود با ایران مستقل و کشورهای عرب ملی گرا و سکولار، مانند لبنان، سوریه و عراق، و جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی در خاورمیانه، متهاست که روابط بالفعلی با اسرائیل برقرار کرده است.

پادشاهی سعودی در بخش بزرگی، با «قدرت به قرض گرفته شده» زنده است – ثروت ناشی از نفت را با مشاوران مالی و نظامی مبادله کرده است. ضعف اساسی و آسیب پذیری سیاسی سعودی زمانی آشکار می‌گردد که آن‌ها ضعیف ترین و آسیب پذیرترین کشورهای خاورمیانه: یمن و قطر را برای حمله و محاصره انتخاب کرده اند.

علی‌رغم میلیاردها دلار هزینه صرف انداختن هزاران تانک بمب بر یمن و مسلح کردن هزاران مزدور، پروکسی (نیابتی) های سعودی در نهایت یک سوم آن کشور تخریب شده و کمتر از یک چهارم جمعیت گرسنه اش را تسخیر کرده اند. شاهزادگان سعودی در طول جنگ خود علیه یمن مرتکب شریکترین جنایات جنگی شده اند: حیاتی ترین زیرساخت را نابود کرده اند، هزاران نفر را کشته اند، با بمباران سیستم تصفیه آب موجب گسترش وبا گشته اند و با گرسنگی دادن به میلیون‌ها شهروند تلاش کرده اند که آن‌ها را مجبور به تسلیم کنند. اما با این وجود، عربستان سعودی از حملات زیاد مرزی رنج برده است و حتی یک حمله موشکی اخیر شورشیان یمنی به فرودگاه اصلی اش اصابت کرده است.

قطر بدلیل دیپلماسی نفتی مستقل منطقه ای خود باعث خشم و غضب سعودی گشت – از جمله از این‌که بدنبال روابط دوستانه با همسایه بزرگ خود، ایران شد. سعودی خشمگین سه دیکتاتور منطقه ای، مصر، اردن و امارات متحده عربی را تأمین مالی کرد، تا به تحریم علیه کشور کوچک قطر بپیوندند. این اقدامات مانند بومرنگ (ثف سربالا) به سوی سعودی‌ها برگشت، منجر به افزایش معاملات تجاری قطر با ایران و عراق شد، که بطور مؤثر تحریم های بزرگ پادشاه سعودی را دور بزند. این بطور فزاینده ای آشکارست که پادشاهی پیر سعودی نمی‌تواند بطور مؤثر عضلات شل و ول خود را علیه همسایگان آن سوی آب خود بکار گیرد.

پروژه های قدرت سعودی فراتر از همسایگان نزدیک به همان اندازه شکست خورده است که تقویت تصویر سلطنت به عنوان یک قدرت جهانی شکست خورده است. مزدوران داعشی حمایت مالی شده توسط سعودی بطور قطعی توسط نیروهای شیعه عراقی و با ائتلاف دولت سوریه – روسیه – ایران – حزب الله در سوریه شکست خورده و نابود شده اند. در نتیجه، دادوطلبان مزدور حقوق‌هایشان را گرفته و به کشور خود برگشته اند تا شرارت ایجاد کنند.

تروریست‌های مورد حمایت سعودی در افغانستان که توسط طالبان به حاشیه رانده شده اند، ممکن است هنوز از برخی باقی‌مانده های سخاوت سعودی لذت ببرند، اما دستورکار ملی خودشان را دنبال می‌کنند.

امضای قرارداد دادهای سعودی با اسرائیل در عملیات مخفیانه، یک مورد شست و شوی مغزی دوطرفه بر مبنای دشمنی مشترک خودشان با ایران، سوریه، حزب الله، حماس، و یمن است. این امر منجر به یک پیمان عجیب و غریب بین وهابی های سعودی، صهیونیست‌های وال استریت و نظامیان متعصب اسرائیلی شده است.

### اهمیت سفر «سعودی» دونالد ترامپ: رقص با محمد بن سلمان

در اوایل نوامبر ۲۰۱۷، شاهزاده تاج و تخت‌دار و معاون نخست وزیر عربستان سعودی، محمد بن سلمان (ام پی اس)، ۳۰ وزیر و ژنرال، «وارن باوفت» میلیارد عرب و ۱۱ شاهزاده چاق و چله (پولداری) را دستگیر کردند، و تقریباً یک تریلیون دلار دارایی بدست آوردند. این بزرگ‌ترین پاکسازی در تاریخ سعودی است. در این روند چندین شاهزاده دوراندختی مرگ زودرس خود را دیدند.

محمد بن سلمان به عنوان بخشی از کمپین «مبارزه با فساد»، با پاک کردن بوروکراسی دولتی و جایگزینی آن‌ها با کسانی که مستقیماً وفادار به خودش بودند، قبضه کردن قدرت خود را پنهان نمود. شاهزاده تاج و تخت‌دار کودتای خود را با عنوان «تحول تاریخی» بسته بندی کرد - گارد قدیمی را پاکسازی نمود تا سلطنت را مدرنیزه نماید. اغلب ناظران لفاظی‌های «دولت خوب» محمد بن سلمان را به عنوان «بن سلمان» و خرقة ای نازک جهت مخفی کردن تحکیم دیکتاتوری شخصی او می بینند.

ایده «مدرنیزه» کردن شاهزاده تاج و تخت دار با تحریکات نظامی منطقه ای، تهدیدات، و جنگ‌های جناحی داخلی همراه بوده است. طرح محمد بن سلمان جهت «تحول» عربستان سعودی ممکن نیست آن نوع سرمایه گذاری خارجی را جذب کند که او نیاز دارد. اقدام او جهت بلوکه کردن کشور کوچک قطر، جایی که پایگاه هوایی استراتژیک آمریکا و هزاران پرسنل آمریکایی مستقرند، باعث ناخشنودی پنتاگون شد.

محمد بن سلمان به نخست وزیر لبنان سعد الحریری، عروسک دست نشانده پادشاهی عربستان و شهروند دوگانه لبنانی - سعودی دستور داد تا به ریاض برود و استعفای خود را از تلویزیون سعودی اعلام نماید. او متنی را خواند که ایران و حزب الله (عضو ائتلاف حاکم کنونی در لبنان) را محکوم کرد که ترور حریری را طرح ریزی کرده اند. در نتیجه، هیچ‌کس نتواند ارتباط با محمد بن سلمان را بفهمد. حریری در عربستان سعودی پنهان شد و نمی‌خواست و یا نمی‌توانست به کشورش لبنان برگردد.

طرح محمد بن سلمان جهت قبضه کردن قدرت ابتدا با ملاقات اواسط سال ۲۰۱۷ رئیس جمهور ترامپ روشن شد. پاکسازی محتمل الوقوع با معامله نفتی دو میلیارد دلاری بین واشنگتن و ریاض امضاء شده بود.

شاهزاد مستبد، اما «رویایی»، تاج و تخت دار به وال استریت «جواهرات سلطنتی» سعودی را هدیه داد، و وعده داد که آرامکو - شرکت نفتی دولتی تریلیون دلاری را خصوصی کند. او معامله چندمیلیاردی را به سرمایه گذاران آمریکایی و اتحادیه اروپا ارائه داد تا شهرهای بزرگ مدرن برای شهروندان سعودی بسازند که جایگزین شاهزادگان فاسد سست عنصر متکی به نفت، بوروکرات‌ها و مردان مقدس شود.

مانورهای جنگی منطقه ای و کودتاهای همیشگی داخلی باعث تحریک ترس از بی ثباتی بیش‌تر منطقه در میان سرمایه گذاران شد. لفاظی های ضدایرانی محمد بن سلمان و تهدیدات وحشیانه جهت حمله به تهران ممکن‌ست نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و سگ اهلی جدید کاخ سفید او، رئیس جمهور دونالد ترامپ را هیجان زده بکند، اما این ژنرال‌های کابینه ترامپ یا بانکداران وال استریت را تحت تأثیر قرار نداده است.

رژیم ناپایدار محمد بن سلمان، جنگ‌طلبی های او و فروش نفت، متناسب با آن نوع پایه و اساس اقتصادی و سیاسی لازم جهت یک اقتصاد متنوع، مدرن و ماهر نیست. اغلب ناظران نتیجه گیری می‌کنند که فروش آرامکو فقط معامله نادری با رهاسازی بخشی از شروط مشاغل ماهر، سرمایه گذاری محلی و تنوع اقتصادی است.

در حال حاضر، محمد بن سلمان توانسته است حمایت حاکم بسیار منفور قبیله خلع شده یمن، عبدالرحمن منصور هادی را «جذب کند». قدرت متقاعدکنندگی او سحر خودش را بر سعد حریری نخست وزیر سابق زیرک یا «خود تبعید خواسته» و ترامپ رئیس جمهوری آمریکایی که از نظر جغرافیایی سرمست شده است، کارکرد داشته است. محمد بن سلمان ارشدترین مدیرانی را که از آمریکا و انگلیس مهاجرت کرده اند، استخدام می‌کند تا ریاست فروش نفت را بدست گیرند. او قصد دارد خود را به عنوان یک «مستبد مدرن» بشناساند - حداقل تا زمانی که فتنه شاهزاده بعدی او را از قدرت بزیر بکشد. در همین حال، او به عنوان یک فرمانروای مقتدر «مدرن» خاورمیانه مستقر شده، که توسط خاندان طایفه ای حفاظت می‌شود، و مورد نفرت مردم خودش است، بطور خصوصی توسط متملقان خارج از کشور خود مسخره می‌شود و با مهارت توسط مدیران مهاجر در حال ساخت «خدمت می‌شود». بدون شک او توسط هر دلقی که کاخ سفید را اشغال کند راضی نگه داشته می‌شود. فعلاً، سعودی‌ها می‌توانند هنوز مزدوران را جذب کنند، میلیون‌ها یمنی را بمباران کنند و گرسنگی دهند، نفت بفروشند و همچنان بمب‌گذاری های تروریستی لبنان، بغداد، پاریس، و... نیویورک را تأمین مالی نمایند.

## نتیجه گیری

عربستان سعودی و اسرائیل نقش های مهمی در تقویت «کمان ارتجاع و ترور» در خاورمیانه بازی می‌کنند. هر دو تحریک به جنگ می‌کنند، تروریسم را تأمین مالی نموده و تفرقه نژادی و قومی را گسترش می‌دهند که منجر به میلیون‌ها پناهندگان می‌شود.

«محمد بن سلمان شاهزاده تاج و تخت دار» عربستان سعودی با نتانیاهو در اسرائیل در جعل ظالمانه ترین تهمت های جنگ‌طلبانه علیه ایران، و برای آماده ساختن جهان جهت حریق بزرگ جهانی رقابت می‌کند.

محمد بن سلمان بطور فعال با ایجاد تقسیمات فرقه ای در لبنان به اسرائیل خدمت می‌کند تا به اسرائیل بهانه ای جهت حمله به حزب الله و میلیون‌ها شهروند لبنانی ارائه دهد. محمد بن سلمان ادعا می‌کند که تنها موشکی که از یمن به فرودگاه ریاض اصابت کرده، اعلام جنگ کامل توسط تهران بوده است... تو گویی که محاصره گرسنگی دادن و بمباران روزانه شهرهای یمن توسط سعودی نباید هیچ پاسخی داشته باشد.

تب جنگ در ریاض پوششی برای بی لیاقتی سیاسی محمد بن سلمان و «طرحی هوش‌مندانه» جهت منحرف کردن از بازی کودکانه چرخش شاهزادگان و فتنه های قبیله‌ای است.

محمد بن سلمان، برای تمام کلیشه های مدرنیزه خود و شخصیت روابط عمومی بدقت آراسته خود، که توسط رسانه های فاسد غربی پخش می‌شود، هنوز رهبر مشتاق یک ارتش قبیله ای، و وابسته به یک ائتلاف شکننده با متحدان غیرقابل اعتماد است: فرماندهان ارشد و پرسنل مصری از سعودی‌های پولدار چاق منتفردند؛ حاکم بحرین توسط نیروهای مزدور سعودی سرپا نگهداری می‌شود. توده های سعودی توسط جنگ سالاران قبیله ای و شکنجه گران آنها بازرسی می‌شوند. به نیروی کار وارداتی و به ارتش خدمت‌گزاران خانگی خارجی تجاوز و بی‌رحمی می‌شود. به‌سختی یک رهبر الهام‌بخش عربستان سعودی از قرون وسطی ظهور کرده است.

محمد بن سلمان بر روی یک بشکه باروت نشسته است و تهدید می‌کند که هم‌آهنگی سیاسی خاورمیانه و بازارهای نفت و مالی جهانی را نابود سازد. عربستان سعودی یک رژیم شکننده با دستی دراز و نحیف است. حاکمان کنونی تصور می‌کنند که فتنه های قدرت و قصر وام گرفته شده آنها می‌تواند بر روی چنین پایه های فاسد و با یک الیگارش می‌شود. قدرت آباد شود.

اولین موشکی را که محمد بن سلمان جرأت کند بسوی تهران هدایت کند، نشان‌دهنده سقوط آل سعود است. تمام بازارهای خاورمیانه و جهان به بحران عمیق فرو می‌روند. قیمت نفت افزایش می‌یابد، بازارهای سهام سقوط می‌کنند و اسرائیل به جنگ علیه حزب الله می‌رود. دونالد ترامپ پرسنل آمریکایی را جهت مقابله با ارتش بخوبی مسلح و بسیار میهن‌پرست ایرانیان به خاک آنها می‌فرستد. عراق و سوریه با عروسک‌های منطقه ای آمریکا، کُردها مقابله می‌کنند. چین و روسیه و هند منتظر امضای قراردادهای نفتی بزرگ می‌شوند. صنعت فراکینگ آمریکا در حالی که قیمت نفت به بالاترین سطح جدید خود می‌رسد، جشن می‌گیرد.

شاهزادگان سعودی به اروپا فرار می‌کنند، صدها هزار خدمت‌گزار را در موقعیت آسیب‌پذیری بحال خود رها می‌کنند. شاید آن‌ها مجبور شوند که قهوه خودشان را آماده کنند! ترامپ یک «تویت جهت عمل به همه آمریکایی‌ها» صادر می‌کند – تفنگداران دریایی به سر چاه‌های نفت! آمریکا را بر پشت خسته‌سربازان دوباره با عظمت می‌کند! آپیک (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل) یک رأی متفق‌القول در کنگره آمریکا تأمین می‌کند و اعلام می‌کند که میدان‌های نفتی عربستان سعودی بخشی بالفعل از اسرائیل بزرگ است.

با افزایش تاریخی قیمت نفت، ونزوئلا بهبود پیدا می‌کند، قروض خود را می‌پردازد، برنامه اجتماعی خود را تأمین مالی می‌کند، مدارس و کلینیک‌های خود را دوباره باز می‌نماید و باز هم یک رئیس‌جمهور سوسیالیستی انتخاب می‌کند.

پس از آنکه سعودی‌ها چادرهای خودشان را برچیدند و به مرکز لندن فرار کردند، کنسرسیوم سرمایه‌گذاران غربی عهده‌دار می‌شوند، بازارهای جهان را با نفت پر می‌کنند. اما این یک سناریوی بلندمدت است... یا می‌باشد؟

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بازنشسته جامعه‌شناسی دانشگاه بینگهامتون نیویورک و نویسنده مقالات و کتاب‌های روشنگرانه‌ای درباره خاورمیانه، آمریکای لاتین و ... است.

آدرس اینترنتی سایت ایشان:

<https://petras.lahaine.org>

برگرداننده شده از:

**Saudi Arabia Regional and Global Linkages James Petras**

<https://petras.lahaine.org/saudi-arabia-regional-and-global-linkages/>